

## بسمه تعالی

### نقش مسجد در مدیریت توسعه‌ی محله‌ای

دکتر سعید اسدی

#### چکیده

در مطالعه‌ی حاضر، مسئله‌ی اصلی تحلیل نقش مسجد است - به مثابه‌ی گسترده‌ترین شبکه‌ی فراگیر اجتماعی - در مدیریت ارتباطات اجتماعی و تأثیر آن در توسعه‌ی شهری، به ویژه محله‌ای با ظرفیت زیاد. جایگاه مسجد در شهر و نظام اداره‌ی شهر مبحثی بسیار مهم است و تا حدی آن را بررسی خواهیم کرد. در این مقاله، هدف اصلی توجه به نقش مسجد در توسعه‌ی شهری از نظام مدیریت شهرمحور به مدیریت محله‌محور است و ایجاد تهرانی پایدار با بهره‌گیری از مساجد و اماکن مذهبی در مراکز محله. در این مقاله، مدل‌ها و ساختار ذهنی مدیران شهری از طریق برقراری ارتباط با نهادها و تشکل‌های مردمی نظیر مسجد و گسترش کمی و کیفی تفکر نظام‌گرا در اداره‌ی محلات تهران بررسی خواهیم کرد. مطالعه‌ی حاضر پژوهشی توصیفی است و علاوه بر مطالعه‌ی اسناد و مدارک و منابع کتابخانه‌ای، از مصاحبه با اساتید حوزه و دانشگاه نیز بهره‌گیری شده است.

**واژگان کلیدی:** توسعه‌ی شهری، مدیریت خرد، مدیریت محله‌ای، تشکل‌های مردمی، تفکر نظام‌گرا.

#### نقش مدیریت در زندگی اجتماعی

صاحب‌نظران علم سازمان و مدیریت اعتقاد دارند جوامع امروزی همراه با گسترش روابط اجتماعی، توسعه‌ی صنایع، دگرگونی ارتباطات، اختراع وسایل جدید زندگی و تجمل‌گرایی، مسائل مدیریتی و تئوری‌های جدیدی را نیز مطرح کرده‌اند که حل آن‌ها به دید علمی و جامع مدیریتی نیاز دارد. کمبود منابع مادی و انسانی، توسعه‌ی روزافزون تولید و توزیع کالا و خدمات و تکامل و تحول ارزش‌های فرهنگی و مذهبی باعث شده است که به رفتار عقلانی و خردگرایی سازمانی توجه زیادی شود.

ماکس وبر خردگرایی را به معنای طرح‌ریزی نظامی - اداری می‌داند که از طریق تقسیم کار و هماهنگ کردن فعالیت‌ها براساس روابط افراد با هم (برای به‌دست آوردن بهره‌وری بیشتر) کار می‌کند.<sup>۱</sup> با مشاهده‌ی سیر تکاملی جوامع بشری پی می‌بریم که ادامه‌ی زندگی انسان بدون وجود سازمان‌ها و

<sup>۱</sup>. اقتداری، سازمان و مدیریت، ص ۲.

تشکیلات اجتماعی ممکن نیست؛ زیرا از روزی که انسان زندگی خویش را آغاز کرد، به‌طور فطری نخستین واحد سازمانی را (خانواده) تشکیل داد.<sup>۲</sup>

از دیگر نهادهای اجتماعی، که عمری بسیار طولانی دارد، سازمان حکومت است؛ زیرا بشر از آغاز به تشکیلاتی نیاز داشت تا در قالب آن وظایف و مسئولیت‌ها را مشخص کند. امروزه، به‌دلیل توسعه‌ی زندگی، افزایش آگاهی علمی بشر و گسترش نیازهای انسان، سازمان‌های متنوع دیگری نیز لازم است. دنیای پیشرفته‌ی امروزی انواع سازمان‌ها را برای اداره‌ی امور زندگی به‌وجود آورده است؛ از جمله سازمان‌های تربیتی و پرورشی، سازمان‌های اخلاقی و انسانی و... . با توجه به اهمیت تعاریف و شاخص‌های سازمان از نظر صاحب‌نظران علم مدیریت و فرهنگ اسلامی در می‌یابیم که باید به سازماندهی و سازمان عمیق‌تر بنگریم.

تقسیم کار، حدود وظایف، جلوگیری از تداخل امور، دامنه‌ی اختیار و آزادی در محدوده‌ی مسئولیت همه از ضرورت‌های زندگی اجتماعی برای رسیدن به سعادت و توسعه در نظام اسلامی هستند. امروزه، آمار و سنجش‌های آماری نقشی مهم در برنامه‌ریزی و مدیریت عرصه‌های مختلف دارند. چگونگی و ساختار برنامه‌ها را آمار مشخص می‌کند؛ از این رو آن‌ها را در کنار هم در نظر می‌گیرند. در مباحث جامعه‌شناسی گفته می‌شود که هرچه آمار دقیق‌تر و مشخص‌تر باشد، در برنامه‌ها عملکردی دقیق‌تر و مشخص‌تر خواهیم داشت. بررسی نسبت جمعیت منطقه یا محله با مساجد و کانون‌های فرهنگی دقیقاً همان نقشی را در برنامه‌ریزی و مدیریت شهری ایفا می‌کند که عقربه‌های ساعت در مشخص کردن زمان.

### مدیریت در سطح کلان شهری

در جهان امروز، شهرها ابعادی پیچیده دارند و گویی حاصل هزاران سال تلاش و تکاپوی انسان در ابعاد فرهنگی، هنری، دینی، اجتماعی، اقتصادی و... هستند. شهرها به‌عنوان تنظیم‌کنندگان روابط اجتماعی شهروندان و اثرگذار در باور، اندیشه و رفتار آنان نقشی متفاوت در مقایسه با گذشته دارند. شهرها تجسم عینی ایده‌آل‌ها، آرزوها، نگرش‌ها و مناسبات اجرایی جامعه هستند. اتکای مردم به نظام مدیریت شهری ابعادی فزاینده یافته است؛ به گونه‌ای که ابتدیی‌ترین نیازهای آنان بدون پشتیبانی مدیریت شهری برآورده نمی‌شود. از این رو، در دنیای امروز، شهرداران در ردیف مدیران اصلی اداره‌کننده‌ی حکومت هستند.

<sup>۲</sup>. بروس کوئن، درآمدی بر جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران، نشر فرهنگ معاصر، ۷۴۰، ص ۱۲۷.

کلان شهر تهران ابعادی بسیار پیچیده و مسائلی بسیار گسترده پیدا کرده است. تهران کانون فعالیت‌های گوناگون در جامعه‌ی ایران است و به‌عنوان مرکز حکومت، بخشی عظیم از دستگاه‌های اندیشه‌ساز، پردازشگر اطلاعات و تصمیم‌ساز و همه‌ی نهادهای تصمیم‌گیر در این شهر قرار دارد. تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در گرو فضای متعادل و آرامی است که اجازه‌ی شکوفایی فهم و تعقل را بدهد. به‌نظر می‌رسد تهران آرامش و امکان بالنده‌سازی کارشناسان و مدیران جامعه را ندارد. کلان شهر تهران درون خود بسیاری چیزها را جا داده است که نظامی تکاملی (ناهنجار) به نظر می‌آید. حل مسائل این شهر فقط با اتکا به داده‌ها، اطلاعات و دانش کلاسیک امکان‌پذیر نیست و برنامه‌ریزی صاحب‌نظران و نخبگان فکری ضروری به‌نظر می‌رسد.

کلان شهر تهران را باید به‌عنوان شهری پایدار نگریست. شهر پایدار در نظام جمهوری اسلامی ابعادی متعادل و ظریف‌تر می‌یابد و نظام مدیریت شهری باید وضعیتی را فراهم آورد که در چارچوب آن شهروندان آرامش روحی برای توسعه‌ی نیایش، آسایش ذهنی جهت گسترش اندیشه و سلامت جسمی به‌دست آورند. به‌این ترتیب، شروع مدیریت شهری در تهران به اجرای طرح جامع ۲۵ ساله و ارائه‌ی خدمات شهری محدود نمی‌شود، بلکه نیازمند فلسفه‌ی مدیریتی‌ای است که در جهت اعتلای اهداف برشمرده باشد. سامان‌یافتن مدیریت کلان شهر تهران در گرو اقداماتی گسترده، پیوسته و همه‌جانبه است؛ از جمله:

۱. توجه به توسعه‌ی محله‌ای؛
۲. حفاظت و احیای مراکز باستانی و مساجد مستقر در محلات مختلف شهری؛
۳. اصلاح نظام اداری شهری و تغییر نظام شهرمحور به نظام محله‌محور؛
۴. سامان‌دادن مدل‌های ذهنی یا ساختار ذهنی مدیران از طریق برقراری ارتباط با نهادهای مدنی و تشکل‌های مردمی، نظیر مساجد؛
۵. گسترش کمی و کیفی تفکر سازمانی برای همه‌ی دست‌اندرکاران اداره‌ی شهر تهران؛
۶. ایجاد تهرانی پایدار با بهره‌گیری از مسجدها، فرهنگسراها، خانه‌های فرهنگ، مدرسه‌ها، دانشگاه‌ها و... به‌عنوان کانون‌های توسعه‌ی تفاهم اجتماعی و و برقراری تبادل میان این کانون‌ها و دستگاه‌های دست‌اندرکار برای یادگیری جمعی.

**دین و جایگاه آن در ورود به مدنیت**

کمر عاملی به اندازه‌ی دین و ایمان در ایجاد تحولات تاریخی، از جمله تشکیل سلسله‌ها و خاندان‌های حکومتگر، دخالت داشته است. در کمتر درباری از دربارهای قدیم دینداران نقش و نفوذ نداشته‌اند. در بسیاری از ادوار تاریخی، بسیاری از شاهان و فرمانروایان برای حکومت خود منشأ الوهی قائل شده‌اند. کلیسا، از بدو تأسیس تا عصر جدید، بیشتر دولتی در برابر دولت یا مسلط بر دولت بوده است. در غرب، پیوند دین و مدیریت (حکومت) کارنامه‌ای درخشان نداشته است؛ زیرا بیشتر مدیران (حکمرانان) از نقش و نفوذ دین سوءاستفاده می‌کردند. در غیراین صورت، به‌طور کلی، دین بیشتر هم‌عنان با اخلاق است و پیوندش با مدیریت (حکومت) می‌تواند به نفع حکومت‌شوندگان و جامعه‌ی بشری باشد.

شاید عصر ما عصر بازنگری و بازگشت به دین باشد. اکنون، مادی‌گری و مادی‌نگری، یعنی پوزیتیویسم (در زمینه‌ی اندیشه و علم) و مارکسیسم / کمونیسم (در زمینه‌ی عمل، اقتصاد و جامعه‌گردانی)، شکست خورده است و مجال تأمل در معنویات و بازگشت به سنت‌های معنوی برای بشر رنج‌دیده‌ی امروز فراهم آمده است. از سده‌های نخستین ظهور اسلام، در اکثر مجامع اسلامی، مسجد به‌عنوان بارزترین نهاد اسلامیت تجلی داشته است و آنچه در منظر ابتدایی مایه‌های فرهنگ اسلام را بروز داده است، وجود مناره‌های بلند و زیبای مساجد در پیشانی شهرها و محلات اسلامی بوده است. در طراحی و برنامه‌ریزی اساسی حکومت اسلامی، مسجد نخستین پروژه‌ای بود که معمار نهضت اسلامی، در آستانه‌ی ورود به یشرب و در محله‌ی قبا، آن را اجرا کرد. از این‌رو، برای ورود به مدینتی صحیح و توسعه‌ی آن برای داشتن جامعه‌ای سالم باید از قالب مسجد گذر کرد. اسلام دین بهزیستی فرد و اجتماع و عامل اصلی مدیریت توسعه‌ی شهری و محله‌ای است. در مسجد شکاف طبقاتی حذف و نظام برابری و برادری حاکم می‌شود. آنچه مورد نظر است تعمیم روح حاکم بر مساجد به سایر بخش‌های جامعه است.

## مدیریت و اسلام

ابعاد گوناگون زندگی انسان به ما ثابت می‌کند که مدیریت از لوازم ضروری زندگی و سعادت است. دین اسلام ضرورت مدیریت را تا حدی می‌داند که می‌گوید قبل از اینکه به کاری اقدام کنید، برای خود مدیر برگزیند تا در پناه نظم و هماهنگی سریع‌تر به هدف برسید.<sup>۳</sup> مطالعه‌ی تاریخ گذشتگان نقش و تأثیر مدیریت را در ارتقا یا انحطاط ملت‌ها به ما نشان می‌دهد. بسیارند ملت‌هایی که از نظر امکانات مادی و

<sup>۳</sup>. تقوی دامغانی، سید رضا، مدیریت اسلامی، ص ۵۳.

مایه‌های غنی فرهنگی کمبودی نداشتند، اما به دلیل نداشتن مدیریت و رهبری آگاه شکست خوردند. در مقابل، ملت‌هایی بودند که با سازماندهی و بسیج صحیح نیروها، با کمترین امکانات، بزرگ‌ترین افتخارها را کسب کردند.

به دلیل اینکه زندگی انسان زندگی‌ای اجتماعی است، از واحدهای مختلفی تشکیل شده است که هر یک از آن‌ها را ارگان‌های نظام اجتماعی می‌نامیم. با پیشرفت زندگی اجتماعی، به تدریج سازمان‌های جدیدی نیز شکل گرفته است. به دیگر سخن، در هر جامعه‌ای برای انجام وظایفی خاص و رسیدن به اهدافی معین یک سازمان به وجود می‌آید. این سازمان برای انجام مسئولیت‌های خویش سیستم و کارکردی مخصوص دارد. در جامعه‌ی اسلامی، هر مسجد یک سازمان منسجم معنوی است و اهداف، کارکرد و سیستمی مخصوص به خود دارد. تشکیلات مسجد سازمانی الهی-مردمی است که با مدیریت معنوی، نفوذ کلمه‌ی امام جماعت و حضور توده‌ی مردم سازماندهی می‌شود.<sup>۴</sup>

جام ام گائوس می‌گوید: «سازمان عبارت است از تنظیم افراد جهت تسهیل در به‌ثمر رساندن مقاصد همگانی از راه تجنيس کارکرد و وظایف».<sup>۵</sup>

همچنین، در تعریف مدیریت اسلامی آمده است:

فعالیتی که زمینه‌ی رشد انسان به سوی الله را فراهم نماید و مطابق کتاب و سنت و سیره و روش پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و امامان معصوم (علیهم‌السلام) و علوم و فنون و تجارب بشری جهت رسیدن به اهداف یک نظام یا سازمان در ابعاد مختلف همانند یک محور و مدار و قطب عمل کند مدیریت اسلامی است.<sup>۶</sup>

پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، با ارائه‌ی تعریفی جدید از دین و دینداری، جامعه‌ی جدیدی را براساس شریعت اسلام پایه‌گذاری کردند و مساجد را به‌عنوان نقطه‌ی عطف مدیریت در توسعه‌ی مودت، انس و اخوت در میان امت مسلمان مطرح کردند.

### مسجد نقطه‌ی عطف مدیریت

<sup>۴</sup>. محمدی آشنانی، علی، سازمان و مدیریت مساجد، مرکز رسیدگی به امور مساجد، ص ۱۹.

<sup>۵</sup>. پرهیزکار، کمال، تئوری‌های مدیریت، ص ۱۸.

<sup>۶</sup>. مدیریت اسلامی، مرکز آموزش مدیریت، ص ۱۲.

در حکومت اسلامی، میان مقامات مسئول و توده‌های مردم جدایی نیست؛ مسلمانان می‌توانند بر جهت‌گیری‌های حکومت نظارت کنند؛ آن‌ها می‌توانند موضع خود را در خصوص مسائل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... آشکار اعلام کنند و با ارائه‌ی برنامه‌ها، طرح‌ها و پیشنهادهای سازنده به حکومت یاری رسانند. براین اساس، پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) پس از بنیان‌گذاری نظام جدید اسلامی در مدینه، برای مشارکت دادن مسلمانان در شیوه‌ی حکومت (مدیریت) و آگاه کردن آنان با اهداف سیاسی اسلام، مسجد را که مرکزی عمومی و محل تجمع مسلمانان برای ادای فرایض دینی بود، پایگاه حکومت (مدیریت) و نهاد سیاسی - حکومتی (مدیریتی) قرار داد. پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در مسجد اصول سیاسی - حکومتی (مدیریتی) اسلام را با مردم در میان می‌گذاشت و در حل و فصل مشکلات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جامعه‌ی اسلامی با آنان مشورت می‌کرد. همچنین، دفتر کار خلفای مسلمانان نیز در مساجد بود.<sup>۷</sup>

علاوه‌براین، مساجد در جایگاه مجالس شورای اسلامی به عموم معرفی شده بودند. خلفا انجمن‌های مشورتی را در مسجد تشکیل می‌دادند و در آنجا با مردم یا خبرگان محلی مشورت و مذاکره می‌کردند. برای مثال، هنگامی که علی (علیه‌السلام) می‌خواست برای نبرد با سپاه معاویه به شام برود، با مهاجران و انصار، در مسجد پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در مدینه، مشورت کرد. واگذاری امور به مردم و فراهم آوردن زمینه‌ی مشارکت و حضور آنان در صحنه‌های گوناگون اجتماعی از جمله ویژگی‌های جامعه‌ی مدنی است. یکی از مفاهیم جامعه‌ی مدنی این است که تا حد امکان فعالیت‌های اجتماعی به خود مردم واگذار و از تصدی دولت کاسته شود.<sup>۸</sup> بنابراین، مهم‌ترین وظیفه‌ی مسجد این است که در اعتلای فرهنگ انسان‌هایی بکوشد که تک‌تک افراد جامعه‌ی مدنی را تشکیل می‌دهند. در این صورت، علاوه بر مشارکت مردم، ساختار مدیریتی مساجد نیز منسجم‌تر می‌شود و امکان توسعه‌ی فرهنگ دینی در سطح جامعه، به‌ویژه در سطح محله‌ای، فراهم می‌آید.

میزان اهمیت عنصر مدیریت در هر نهادی با توجه به نقش‌ها و کارکردهای آن روشن می‌شود. نگاهی گذرا به نقش‌های گوناگون و مهمی که مساجد در عرصه‌های اجتماعی، عبادی، تربیتی، فرهنگی، آموزشی و... دارند، اهمیت نقش مدیریتی مساجد را روشن می‌کند. مسجد پایگاه مدیریت کشور

<sup>۷</sup>. بلاذری، فتوح البلدان، ص ۲۲۶.

<sup>۸</sup>. مصباح یزدی، محمد تقی، خلاصه‌ی مقالات همایش دین و توسعه، ش ۵.

پیامبر (صل الله علیه و آله) بود. بعدها، علی (علیه السلام) نیز از مسجد برای رسیدگی به امور مملکتی استفاده کرد. نقش مدیریتی مساجد عبارت است از: اداره‌ی روابط اجتماعی، از طریق هماهنگ‌سازی منابع (انسانی، مالی و مادی)، در جهت تحقق اهداف الهی و معنوی و توسعه‌ی بشر.

این وظیفه مستلزم آن است که مساجد ارزش‌های الهی را محقق کنند. این فعالیت‌ها و کارکردها ابعاد مختلف آموزشی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... دارند و همه‌ی آن‌ها در جهت توسعه‌ی حیات بشر و تقرب به خدا صورت می‌گیرند. نکته‌ی مهم این است که با چنین برداشتی، نقش مدیریتی مساجد به حوزه‌ای پیچیده و ظریف تبدیل می‌شود؛ زیرا در این مؤسسه هم اداره‌کننده، هم اداره‌شونده و هم محصول انسان‌ها هستند. نقش مدیریتی مساجد با قلمروهای پیچیده‌ی فعالیت‌های انسانی سروکار دارد و اداره‌ی امور آن به دانش و بینشی عمیق در ابعاد مختلف نیاز دارد. لذا، مدیر مسجد باید به قلمروهای مختلف مدیریت، که در چارچوب عملکردها و فعالیت‌های مسجد قرار می‌گیرد، آگاهی و اشراف داشته باشد.<sup>۹</sup>

یکی از کارهای مهم مسجد انتقال نظرها و خواسته‌های مردم محلات و شهرها به مسئولان کشور است. این امر در اندیشه‌ی سیاسی اسلام بسیار مهم است؛ زیرا باعث می‌شود تصمیم‌گیری و مدیریت کلان کشور با نظرات و خواسته‌های مردم متناسب باشد. مساجد پشتیبان دولت و نظام اسلامی هستند. این امر جز با هماهنگی تنگاتنگ دولت و مسجد میسر نیست. مسجد باید برای ایفای نقش خود از ساختارهای مختلف جامعه استفاده کند. به کارگیری تکنولوژی پیشرفته‌ی اطلاعاتی در دنیای جدید مجازی می‌تواند ارائه‌ی خدمات مساجد را گسترش دهد. نقش مهم دیگر مساجد تربیت دینی انسان‌های مؤمن است تا بتوانند در عرصه‌های مختلف جامعه را اداره کنند. از این رو، مسجد سازمانی مهم است برای اجتماع مسلمانان، برقراری اتحاد و هدایت آنان و نیز مهار دولت.

### **نقش مسجد در مدیریت اقتصادی**

یکی از چالش‌هایی که کشورهای در حال توسعه و عقب‌مانده همواره برای اجرای برنامه‌ها با آن مواجه هستند، مسئله‌ی فقر است. از یک سو، رهایی از مشکل توسعه‌نیافتگی نیازمند سرمایه‌گذاری کلان و نرخ رشد بالای اقتصادی است و از دیگر سو، فقر در جامعه امکان چنین اقدامی را نمی‌دهد. ضمن اینکه دستیابی

<sup>۹</sup>. ابوالقاسمی، محمد جواد، تبیین جایگاه مسجد در نظام اسلامی، ص ۱۱.

به نرخ رشد بالای اقتصادی می‌تواند شکاف طبقاتی را در جامعه افزایش دهد و موجب فشار بیشتر روی قشر آسیب‌پذیر شود. اگر از منظر جامعه‌شناسی نظری به جوامع گوناگون بیاندازیم (کشورهای سرمایه‌داری یا کمونیستی یا نظام‌های مختلف)، تبعیض را بین افراد جامعه می‌بینیم و همین تبعیض باعث ایجاد فقر و توسعه‌نیافتگی می‌شود. از این منظر، بحث عدالت اجتماعی همواره یکی از مباحث اصلی در تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه‌ای بوده است، به‌ویژه توسعه‌ی شهری.

در صدر اسلام، مسجد مکانی بود برای حفظ خزانة‌ی مملکت اسلامی. این خود نشانگر ارتباط محکم دین اسلام و عدالت اجتماعی بود. در آن زمان، مسجد مرکزی امن بود برای نگهداری ثروت ملی. در حال حاضر نیز، با معطوف داشتن توجه به مساجد، می‌توان با توزیع متناسب بیت‌المال و اجرای صحیح عدالت اجتماعی از فقر و توسعه‌نیافتگی جلوگیری کرد و در جهت توسعه‌ی پایدار گام برداشت.

### **مسجد و مدیریت توسعه**

از آنجا که مسجد، از بدو تأسیس، فعالیت اطلاع‌رسانی را در سنت خود داشته است (که نماد آن اذان است)، می‌توان از این مرکز به‌عنوان مرکز مدیریت اطلاع‌رسانی در سطح شهر و محله یاد کرد. مسجد از طریق اطلاع‌رسانی به زندگی اجتماعی وصل می‌شود و می‌تواند در ارتباطات اجتماعی نقش آفرینی کند. با توجه به وجود ۵۷۶۳۵ مسجد در سراسر کشور (با متراژ ۳۶ میلیون متر مکعب)، به جرئت می‌توان گسترده‌ترین شبکه‌ی فراگیر اجتماعی در کشور را مسجد دانست.

مهم‌ترین فواید دخالت مسجد در مدیریت توسعه‌ی محلات شهری عبارت است از:

۱. کاهش بار مالی نظام اسلامی؛ وقتی گروهی از افراد بومی به‌عنوان خدمتگذار در مسجد فعالیت کنند، به دیگران برای نیل به توسعه‌ی محلی کمک می‌کنند. چرا باید وظیفه‌ی مدیریت توسعه‌ی محلات شهری بر دوش مأموران رسمی نظام قرار گیرد، گروهی را از کار خیر باز دارد و بار مالی زیادی به نظام اسلامی تحمیل کند؟
۲. تشکیل نهادها و استخدام کارکنان رسمی در راستای مدیریت توسعه‌ی محله‌ای؛
۳. انتخاب مدیران شایسته در لوای هیأت امنای مساجد، از میان مردم محلات؛
۴. معمولاً، مردم منطقه با توجه به شناخت بهتری که از اوضاع منطقه‌ی خود و افراد شایسته‌ی ساکن آن دارند، بهتر می‌توانند با مشارکت مسجد مدیران محله‌ای انتخاب کنند؛



۵. از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون هرگاه کار به مردم و نهادهای مردمی نظیر مساجد واگذار شده است، آنان وظیفه خود را به خوبی انجام داده‌اند؛
۶. برقراری هماهنگی میان مدیران و ساکنان محله.

در جامعه‌ی ایران، همچون هر جامعه‌ی دیگری، جریان‌های گوناگون فکری وجود دارد و مردم هر منطقه و محل برای انجام فریضه‌ی نماز و دیگر مراسم مذهبی به نزدیک‌ترین مسجد می‌روند. از این رو، وجود مدیران محله‌ای در بافت مسجد، خودبه‌خود باعث هماهنگی میان مدیران و ساکنان می‌شود. در مقابل، انتخاب مدیران محله‌ای از سوی مرکز یا نهادی رسمی ممکن است باعث بیشتر شدن مشکلات شود.

### نقش مدیریتی مساجد در توسعه‌ی محله‌ای

نوشته‌های جامعه‌شناسان معتبری چون امیل دورکیم، کثورت زیمل و لویی ورت در اشاره به مشکلات جامعه‌ی شهری ابتدای قرن بیستم بوده است. برای مثال، زیمل معتقد بود ساکنان شهرهای بزرگ به‌طور مداوم در معرض «تحریک عصبی» قرار دارند که فرد را به بی‌تفاوتی و جدایی از افراد دیگر سوق می‌دهد. لویی ورت نیز بر این باور بود که تضعیف پیوندهای سنتی در شهر، در اثر تخصص‌های گوناگون، از وابستگی متقابل افراد و ارتباطات نزدیک آنان می‌کاهد. در تحلیل نهایی، آن‌ها زندگی شهری را با تنهایی، انزوا و احساس ناامنی معادل می‌گرفتند.

در مقابل، اساس دین اسلام اجتماعی بودن است تا انسان را از زندگی فردی و انزوا برهاند و او را به سوی زندگی جمعی و اجتماعی سوق دهد. از این رو، اسلام همواره مؤمنان را به شرکت در اجتماعات برای عبادت خداوند ترغیب می‌کند؛ زیرا فقط از طریق اجتماع است که مسلمانان می‌توانند بر مشکلات غلبه کنند. با مرکز قرار دادن مسجد، به عنوان نهاد مدیریتی در سطح محله، نهاد خانواده نیز قوت می‌گیرد. شواهد بسیاری در دست است که نهاد خانواده در ایران بر اثر عواملی مجزا تضعیف شده است؛ مانند ادامه‌ی عمومی مدرنیزاسیون و شهرنشینی، افزایش ولع ارتقای اجتماعی در تلاش برای ورود به دانشگاه‌ها و مدارس خصوصی و گسترش درخواست از دولت.

از حیث تاریخی، محله کارکردهای متعدد اجتماعی دارد و در مراکز تجمع گروهی بیشتر تبلور می‌یابد؛ همچون مساجد، هیأت‌ها، قهوه‌خانه‌ها و... این فعالیت‌های جمعی اثری تنظیم‌کننده بر رفتارهای

جمعی دارد. فرد عضوی از محله است و نوعی همبستگی جمعی میان او و دیگران شکل می‌گیرد. در چنین حالتی، فرد در ارتباط‌های مدنی و ضابطه‌مند قرار می‌گیرد، خود را به گفت و گو و همبستگی‌های سنتی پایبند می‌کند و هویت جمعی جدیدی پیدا می‌کند. با گسترش چنین وضعیتی، ارتباطات مدنی و ضابطه‌مند گسترش می‌یابد و محله، به‌عنوان بخش خردی از ساختار کلان شهری چون تهران مطرح می‌شود و رابطه ملموس توسعه و پیشرفت آن در رابطه با مساجد و ارتباطات افراد محله مشهود و هویدا می‌گردد.

منبع: مرکز رسیدگی به امور مساجد